

تحلیل تأثیر آگاهی سیاسی معلمان بر شرکت در انتخابات؛ مطالعه موردی معلمان نواحی (۱) و (۳) اصفهان

دکتر سید امیرمسعود شهرام‌نیا*

صابر ملائی**



چکیده

از جمله افرادی که در امر تعلیم و تربیت مداخله و مشارکت دارند، قشر بزرگ فرهنگیان هستند که وظیفه افزایش آگاهی و اطلاعات متعلمین را در محیط مدرسه به عهده دارند؛ اما آنچه توجه این پژوهش را به خود جلب کرده، میزان آگاهی آموزش‌دهندگان، یعنی خود فرهنگیان است؛ به عبارت دیگر میزان آگاهی فرهنگیان در امور سیاسی تا چه اندازه بوده و میزان اثرگذاری آن بر مشارکت در انتخابات (مثبت یا منفی) به عنوان یک

* عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان (m_shahramnia@yahoo.com)

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه اصفهان (mollaiy.s@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۲۰

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره اول، زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۶۶-۱۳۵.

شهروند تا چه حد است؟ از جمله افرادی که در زمینه رفتارهای انتخاباتی تحقیق انجام داده است، لیست است که ویژگی‌هایی را برای نوع رفتار انتخاباتی افراد برمی‌شمارد. از افراد دیگری که در زمینه علل شکل‌گیری رفتار خاص در افراد تحقیق کرده‌اند آیزن و فیش باین هستند که نوع اطلاعات دریافتی را بر نحوه رفتار اشخاص مؤثر می‌دانند. هر دو تئورسین پایه نظری پژوهش قرار گرفته‌اند. این پژوهش، جامعه آماری خود را فرهنگیان نواحی (۱) و (۳) آموزش و پرورش شهر اصفهان قرار داده که با ارائه پرسشنامه در قالب ۳۱ سؤال باز و بسته به این امر اقدام شده است. برای تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS کمک گرفته شده است. **واژه‌های کلیدی:** آگاهی سیاسی، انتخابات، آموزش و پرورش، مشارکت سیاسی، طبقه اجتماعی - اقتصادی.



بیان مسئله پژوهشی

در عصر حاضر اطلاعات از اهمیت اساسی برخوردار بوده و از منابع اساسی محسوب می‌شود، چراکه در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رسوخ کرده و وجود منابع دست اول را برای هر فرد و هر سازمان و نهادی حیاتی ساخته است. نظام اجتماعی، سیاسی، قومی، مذهبی و... همه برای نیل به این مقصود پدید آمده‌اند. آنها وسیله‌ای هستند برای هماهنگی، یکپارچگی، تنظیم و هدایت رفتار و کردار انسان‌ها در جهت کلی هر نوع حیات یعنی زندگی مطبوع و توأم با امنیت.^(۱)

بیشتر اطلاعات در دنیای امروز از طریق رسانه‌های جمعی دریافت می‌شوند. کسب اطلاعات آگاهی را به دنبال خواهد آورد که انسان را برای پیشبرد اهداف خود یاری می‌رساند. در پاره‌ای موارد در کنار تلاش‌های معلمان، رسانه‌های جمعی بدون هیچ محدودیت زمانی، مکانی، سنی و جنسی آموزش انسان‌ها را برعهده دارند.^(۲) اطلاع از اینکه فرهنگیان به عنوان حلقه واسط آموزش، در چه سطحی از آگاهی سیاسی قرار دارند حائز اهمیت است؛ زیرا شهروندان آینده زیر دست آنان آموزش می‌بینند. در این پژوهش به دنبال دستیابی به این موضوع هستیم که آگاهی سیاسی فرهنگیان شاغل به آموزش رسمی در مقاطع مختلف تحصیلی در چه سطحی است و آیا در شرکت آنان در انتخابات تأثیرگذار است؟ از جمله شاخص‌های آگاهی سیاسی می‌توان به آگاهی از حقوق سیاسی خود (قوانین سیاسی، دایره و محدوده فعالیت سیاسی شهروند)، آگاهی از رویدادهای کشوری و بین‌المللی تأثیرگذار بر امور داخلی، آگاهی و ارزیابی از نقش‌ها (ریاست جمهوری، نماینده مجلس، وغیره)؛ نهادها (مجلس، هیئت حاکمه یا دولت وغیره) و فرایندهای

سیاسی (انتخابات، اعتراض و غیره)، ملی‌گرایی، اعتماد اجتماعی، اطلاعات از روند مبارزات سیاسی، و غیره اشاره کرد که زیرمجموعه‌های زیادی را دربرمی‌گیرند.

در اینجا لازم است تا تعریفی از برخی واژه‌های کلیدی این حوزه ارائه شود:
 (۱) انتخابات! جریان رسمی انتخاب اشخاص برای احراز مقام یا منصب و مسئولیتی در جامعه از طریق آرای عمومی.^(۳) انتخابات از یک سو، پایه‌های قدرت اجتماعی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است. انتخابات در هر جامعه‌ای عناصر زیر را دربردارد: برگزارکنندگان، انتخاب‌شوندگان، انتخاب‌کنندگان، قوانین انتخاباتی، و فضای حاکم بر جامعه در زمان انتخابات.

(۲) آگاهی سیاسی^۲: آگاهی سیاسی یک فرد دربرگیرنده طرز تلقی‌ها و ارزیابی او از مسائل خاص سیاسی و یا از شخصیت‌ها و حوادث سیاسی است.^(۴)

(۳) آموزش و پرورش^۳: ژرف‌ترین ارتباط، ارتباطی است آمیخته از کردار و گفتار، هرگونه ارتباط به‌ویژه ارتباطی که به صورت آگاهانه (همراه با آگاهی دو طرف یا دست کم با آگاهی یکی از دو طرف همراه باشد) آموزش و پرورش نام می‌گیرد.^(۵)

(۴) مشارکت سیاسی^۴: رفتاری که اثر می‌گذارد و یا قصد تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی را دارد.^(۶) نلسون^۵ مشارکت سیاسی واقعی را به معنی جریان نفوذ به طرف بالا می‌داند که دستور کار دولت را تشکیل داده و خط‌مشی‌ها را معین می‌کند.^(۷)

در بیشتر تعاریف، مشارکت سیاسی فعالیتی در راستای انتخاب حاکمان و مشارکت در تصمیم‌گیری‌هاست، به گونه‌ای که دایره المعارف علوم اجتماعی این تعریف را آورده است: مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای یک جامعه در انتخاب حکام به طور مستقیم یا غیرمستقیم و همچنین در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی است.^(۸)

طبقه اجتماعی - اقتصادی^۶: ملاک‌هایی هستند که افراد و خانوارها را بر اساس شاخص‌هایی نظیر شغل، درآمد و تحصیلات طبقه‌بندی می‌کنند. به عقیده مارکس وبر، پایگاه اجتماعی فرد همراه با طبقه یا درآمد و قدرت سیاسی، سه بُعد اصلی قشربندی اجتماعی را تشکیل می‌دهند.^(۹)

1. Elections
 3. Education
 5. Nelson

2. Political Consciousness
 4. Political Participation
 6. Socio-economic Base

سؤال‌های پژوهش

۱. بین میزان آگاهی افراد از حقوق سیاسی با شرکت در انتخابات رابطه وجود دارد؟
۲. بین میزان آگاهی از رویدادهای سیاسی و اجتماعی با شرکت در انتخابات رابطه وجود دارد؟
۳. بین ارزیابی فرد از نقش‌ها، نهادها، و فرایندهای سیاسی با شرکت در انتخابات رابطه وجود دارد؟
۴. میزان شرکت در انتخابات بر اساس سن متفاوت است؟
۵. میزان شرکت در انتخابات بر اساس جنس متفاوت است؟
۶. میزان شرکت در انتخابات بر اساس تحصیلات متفاوت است؟
۷. میزان شرکت در انتخابات بر اساس طبقه اجتماعی متفاوت است؟

توجه به این امر ضروری است که با توجه به نظریات آیزن فیش باین (پایه نظری پژوهش)، نوع اطلاعات دریافتی بر جهت دادن و در نهایت نوع واکنش هر شخص بسیار حائز اهمیت است؛ به عبارت دیگر اخباری که وابسته به محیط پیرامون، اطرافیان و نوع رسانه‌ها و تحلیل‌هایی که به سمع و نظر افراد می‌رسد در تلاقی با اطلاعات از پیش کسب‌شده، می‌تواند به یک رفتار و واکنش خاص (مثبت و منفی) منجر شود. این امر موجب شده تا در این پژوهش با شاخص‌بندی یک فضای حاکم بر مشارکت سیاسی، برخی از اطلاعات و اخباری را که شهروندان می‌توانند دریافت کنند، به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش قرار داده و میزان اثرگذاری آنها بررسی شود. در ادامه لازم به ذکر است که در دو فرضیه نخست فرض بر این است که شهروند مشارکت‌جو آگاهی و اطلاعات لازم را از حقوق سیاسی خود و روند حوادث و رویدادهای سیاسی و اجتماعی اثرگذار در مشارکت سیاسی دارد و نیز در فرضیه سوم طرز تفکر یا به عبارتی «خود سیاسی» اشخاص مورد نظر است.

تعریف «آگاهی سیاسی»

در فرهنگ معین، آگاهی مترادف با خبر، اطلاع، و علم و معرفت است. در اینجا به چند نظریه در جامعه‌شناسی و تئوری‌های آنان پیرامون آگاهی و آگاهی سیاسی

می‌پردازیم. عبارت آگاهی سیاسی معادل عبارت انگلیسی "Political Awareness" است؛ بنابراین منظور از آگاهی سیاسی، شناخت و اطلاع افراد یا گروه‌ها نسبت به امور عمومی و سیاست جامعه است.

این عبارت با عبارت‌های دانش سیاسی^۱، اطلاعات سیاسی^۲ و هوشیاری سیاسی^۳، تداخل مفهومی دارد و شاید نتوان تمایز دقیقی بین آنها قائل شد اما به نظر می‌رسد دانش و اطلاعات سیاسی اشاره به محتوای حافظه فرد دارند و قابل اندازه‌گیری هستند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت واژه‌های اطلاعات، دانش، آگاهی و هوشیاری برای اشاره به مراتب مختلف آگاهی به کار می‌روند، چراکه «آگاهی علاوه بر توانایی دریافت حسی و حفظ خاطره، به توانایی بروز واکنش انتقادی به کمک اندیشه و عمل نیز مربوط می‌شود».^(۱۰)

عناصر و محتویات آگاهی سیاسی

آگاهی سیاسی یک فرد دربرگیرنده طرز تلقی‌ها و ارزیابی‌های او از مسائل خاص سیاسی و یا از شخصیت‌ها و حوادث سیاسی است. خود سیاسی همچنین درگیر دانشی است که در رابطه با ساختارها و باورهای سیاسی باشد؛ به همان ترتیب تصویری که خود فرد از حقوق، مسئولیت‌ها و موقعیتش در جهان سیاست دارد. البته تمام افراد یک خودآگاهی سیاسی را توسعه نمی‌دهند و آن را ندارند. یک فرد در هنگام تولد دارای اطلاعات سیاسی نیست و حتی تا سال‌ها نیز حاصل نمی‌شود. سه عامل را می‌توان به وجود آورنده خودآگاهی سیاسی دانست که به قرار زیر است؛

۱. شکل و کارکرد سیستم سیاسی نقش مهمی در تغییر موقعیت‌های سیاسی دارد؛
۲. انواع تجارب و روابط فرد است که با سایر افراد و گروه‌ها در ارتباط است و وی را در فرایند رشد قرار می‌دهد.
۳. خودآگاهی سیاسی تحت تأثیر نیازهای شخصی و ظرفیت‌های فرد است.

می‌توان بیان کرد که خودآگاهی سیاسی در اثر عمل متقابل بین این سه عامل رشد می‌کند و تحول می‌یابد.^(۱۱) اکتساب خودآگاهی سیاسی یک قضیه تابعی است

1. Political Knowledge
3. Political Consciousness

2. Political Information

نسبت به بلوغ کلی اجتماعی. یادگیری سیاسی مانند سایر یادگیری‌های اجتماعی تدریجی و فزاینده است. می‌توان مباحث پیرامون آگاهی را در موارد زیر جمع‌بندی کرد: (۱) احساسات و عواطف سیاسی اساسی؛ (۲) دانش و ارزیابی‌ها از ساختار و روند سیاست؛ (۳) موضع‌گیری‌ها نسبت به اهداف سیاسی زودگذر.

بررسی مفهوم آگاهی در نظریات جامعه‌شناختی

۱. نظریه پدیدارشناسی

این نظریه بیش از سایر نظریات، به مسئله آگاهی پرداخته و از افکار فیلسوفانی قبیل هوسرل^۱، برگسون^۲، و مرلوپنتی^۳، سرچشمه می‌گیرد. از افراد دیگر می‌توان به پیتر برگر^۴ و توماس لوکمان^۵ اشاره کرد. آنها می‌نویسند «اندوخته دانش اجتماعی، واقعیت را برحسب درجه‌های آشنایی مشخص می‌سازد به این معنی که موجب می‌شود درباره آن بخش‌هایی از زندگانی روزمره که باید با آنها پیوسته سروکار داشته باشیم، اطلاعات پیچیده و مفصلی به دست آوریم و در مورد بخش‌های دوردست‌تر، اطلاعات کلی‌تر و مجمل‌تری حاصل کنیم»^(۱۲).

۲. نظریه کنش متقابل نمادین

این نظریه یکی از دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی معاصر است که به بررسی رابطه فرد و جامعه، در جریان کنش متقابل بین افراد می‌پردازد. از متقدمان سنت کنش متقابل نمادی، می‌توان از جان دیویی^۶، کولی^۷، بالدورین^۸ و رنانسکی^۹ نام برد. برد. با وجود این مباحث اساسی کنش متقابل نمادی را باید در آرا و نظریه‌های جرج هربرت مید^{۱۰} جامعه‌شناس و فیلسوف قرن نوزدهم و هربرت بلومر^{۱۱} جامعه‌شناس معاصر جست‌وجو کرد.^(۱۳) هربرت بلومر یکی از ویژگی‌های اصلی این نظریه را پرداختن به آگاهی می‌داند. هر دو نظریه رفتارگرایی تقلیل‌گرایانه و

1. Hossrel

3. Merleau Ponty

5. Thomas Luckmann

7. Koly

9. Ronanesky

11. Herbert Bulmer

2. Bergsten

4. Peter Berger

6. Jahn Duoivy

8. Baldorin

10. George H. Mead

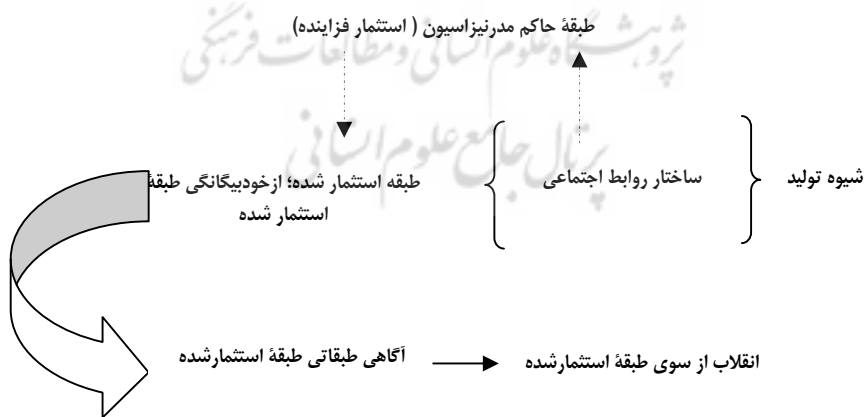
کارکردگرایی ساختاری بیان می‌دارد که نظریه‌پردازان این مبحث فراگرد تعیین‌کننده را ندیده می‌گیرند که کنش‌گران از طریق آن به نیروهای تأثیرگذار بر آنها و نیز رفتار خودشان، معنی می‌بخشد.^(۱۴)

۳. نظریه مارکسیستی

با توجه به دیدگاه مارکس مبنی بر انقلاب مارکسیستی، کارگران به عنوان تنها طبقه و گروه اجتماعی که زیر سلطه سرمایه‌داران قرار دارند باید به آگاهی برسند. این آگاهی نوعی از آگاهی سیاسی است که منجر به براندازی دولت سرمایه‌داری خواهد شد؛ البته پیش از اینکه این طبقه انقلابی بتواند تشکیل شود، باید شرایط ذهنی این امر فراهم شود که بر حسب رشد آگاهی طبقاتی تعریف می‌شود و نه تنها حائز گستردگی است بلکه به سازماندهی نیز می‌انجامد.

با توجه به مطالب گفته‌شده، مشاهده می‌شود که «آگاهی پرولتاریا» یا «آگاهی در خود» در سرمایه‌داری مورد نظر مارکس که نوعی از آگاهی سیاسی است، متفاوت از آگاهی سیاسی مورد بحث در این پژوهش است. چراکه مارکس آگاهی را وابسته به یک گروه کرده و از سوی دیگر به صورت مقطعی (تا زمان براندازی دولت سرمایه‌داری) به آن نگریسته است. مدل تحول انقلابی مارکس از دیدگاه آلوین استانفورد کوهن^۱ به قرار زیر است:

نمودار شماره ۱. مدل تحول انقلابی مارکس از دیدگاه کوهن^(۱۵)



1. Cohan, Alvin Stanford

۴. نظریه‌های فمینیستی

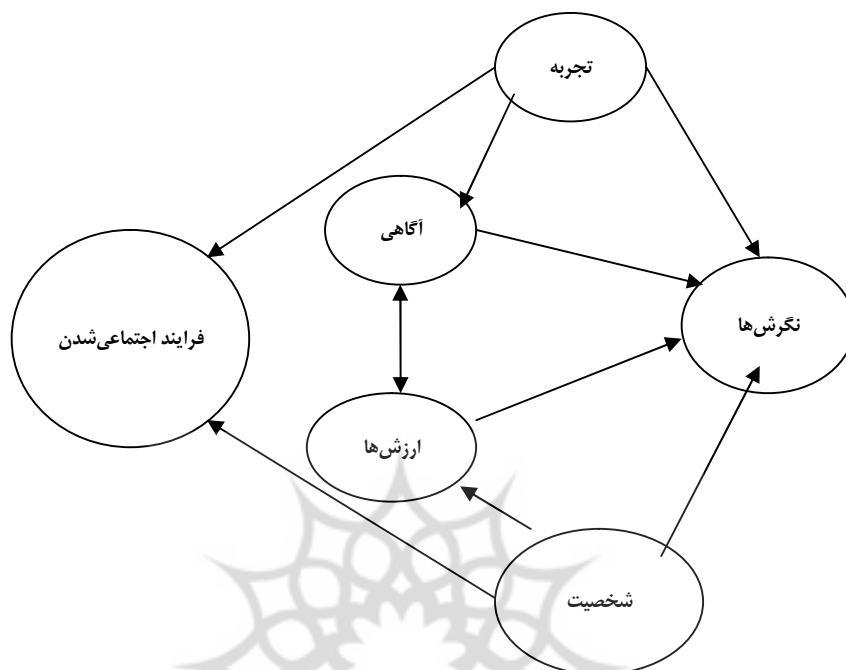
جورج ریترز یکی از نظریه‌پردازان در حوزه جامعه‌شناسی فمینیستی ویژگی‌هایی متفاوت از جنبه‌های آگاهی را مطرح کرده است. از جمله این ویژگی‌ها، «تجدید نظر در الگوی ذهنیت جامعه‌شناسی» است. این جمله به این معناست که آگاهی خاص این نظریه در مورد آگاهی از زندگی روزانه است. زندگی روزانه برای زیردستان به دو واقعیت تقسیم می‌شود؛ واقعیت تجربه شخصی، زنده و اندیشیده و واقعیت نمونه‌های اجتماعی زنان. ریترز بر این عقیده است زنان می‌دانند تجربه شخصی‌شان با تجربه مردانی که بر آنها تسلط فرهنگی دارند و در ضمن کنش متقابل دارند، یکی نیست. زنان به ذهنیت مشترک چندان اعتمادی ندارند.^(۱۶) با محدود کردن آگاهی به بُعد سیاسی آن، از نقطه نظرات فمینیست‌ها پیرامون آگاهی می‌توان این الهام را گرفت که به دلیل سلطه سیاسی مردان بر زنان، آگاهی زنان در مورد سیاست و مسائل سیاسی با آگاهی مردان در این زمینه‌ها متفاوت است.

رابطه جامعه‌پذیری سیاسی با آگاهی سیاسی

راش دو نوع تعریف را نسبت به جامعه‌پذیری سیاسی ارائه کرده که یکی از آنها کلی و دیگری محدود است. وی تعریف کلی این مفهوم را این‌گونه نقل می‌کند: «القای تعمدی اطلاعات، ارزش‌ها و شیوه‌های عملی سیاسی به وسیله عوامل نهادی که این مسئولیت بر عهده آنها نهاده شده و تمام یادگیری سیاسی، رسمی و غیررسمی، عمدی و برنامه‌ریزی نشده در هر مرحله از زندگی، شامل یادگیری آشکار سیاسی و هم یادگیری ظاهراً غیر سیاسی ویژگی‌هایی که از نظر سیاسی ذی‌ربط هستند».^(۱۷)

مدل زیر نشان‌دهنده نحوه شکل‌گیری افکار عمومی است که می‌توان به رابطه جامعه‌پذیری با آگاهی سیاسی پی برد.

نمودار شماره ۲. مدل چایلدز از فرایند اجتماعی شدن و تأثیر آگاهی بر آن.^(۱۸)



مطابق با این مدل، چهار عامل تجربه، جامعه‌پذیری، ارزش‌ها و شخصیت بر آگاهی تأثیر می‌گذارند. تأثیر برخی مستقیم و بعضی دیگر غیرمستقیم و با دخالت سایر عوامل است. آموزش و پرورش یکی از عناصر اصلی جامعه‌پذیری افراد است. آموزش و پرورش می‌تواند همگونی را با روش‌های گوناگون افزایش دهد. از دیدگاه موريس دورژ^۱ دو مرحله در این زمینه وجود دارد که عبارتند از: ۱) آگاه کردن شهروندان به ضرورت کاهش تضادهایی که آنان را در برابر هم قرار می‌دهد؛ ۲) مرحله دوم، پروراندن احساسات اجتماعی در افراد.^(۱۹) به اعتقاد نگریند و ساها، آموزش و پرورش حافظ نظام سیاسی و عامل توسعه سیاسی است و دارای سه کارکرد اساسی است: عامل اصلی جامعه‌پذیری سیاسی نوجوانان و جوانان در فرهنگ سیاسی ملی؛ عامل مؤثر در انتخاب و تربیت نخبگان سیاسی؛ عامل اصلی در انسجام سیاسی و ساخت آگاهی سیاسی ملی.^(۲۰)

برخی از نظریه پردازان رابطه‌ای بین جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی و در نهایت آگاهی سیاسی افراد برقرار کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به آلموند و پاول^۱ اشاره کرد. به نظر اینان، جامعه‌پذیری به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم رخ می‌دهد. در شیوه مستقیم، انتقال ارزش‌ها و اطلاعات به‌صراحت صورت می‌گیرد (درس تعلیمات مدنی در مدارس نمونه‌ای از این شیوه است). نوع غیرمستقیم آن زمانی رخ می‌دهد که تجربیات افراد، ناخواسته به دیدگاه‌های سیاسی آنها شکل دهد.^(۲) فرهنگ سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی با یکدیگر در تعامل هستند، ارزش‌های غالب فرهنگی عمدتاً محتوای جامعه‌پذیری سیاسی را تعیین می‌کنند درحالی‌که فرایند موفقیت‌آمیز جامعه‌پذیری به حفظ و انتقال فرهنگ سیاسی کمک می‌کند.

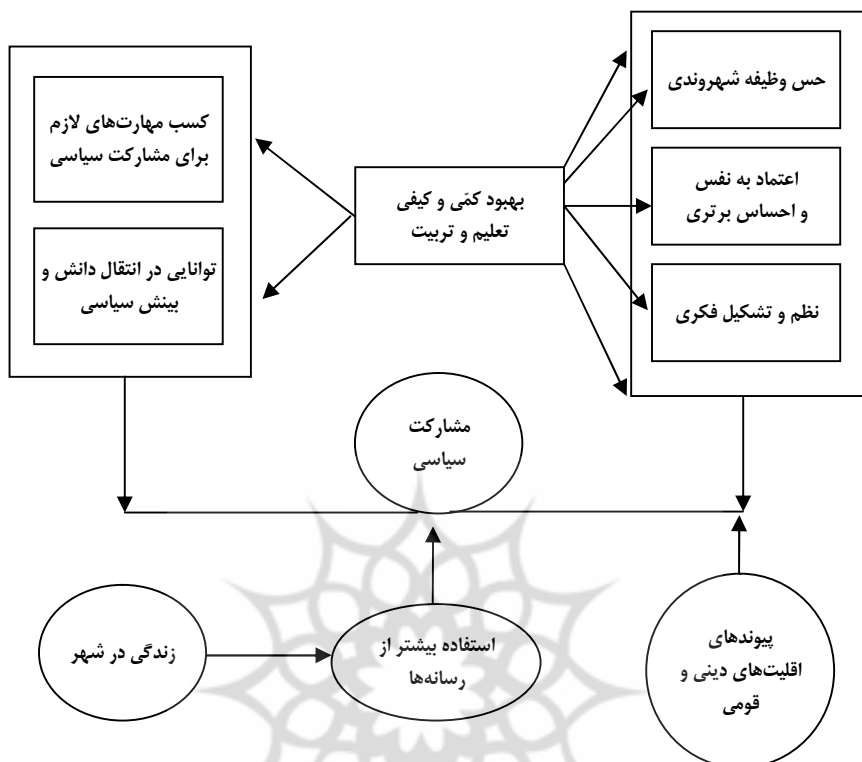
پایه نظری

سیمور مارتین لیپست^۲ از جمله افرادی که در این حوزه فعالیت کرده است. وی علل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی را بدین شرح زیر بیان کرده است: (۱) تحصیلات: از نظر وی تحصیلات رسمی عامل مهمی در میزان فعالیت شهروندان است و هرچه سطح آن بیشتر باشد میزان مشارکت بیشتر خواهد بود؛ (۲) اشتغال؛ (۳) جنسیت: وی ادعا دارد که فعالیت سیاسی زنان کمتر از مردان است اما با توجه به تحصیلات آنان و موفقیت اقتصادی آنان، متفاوت خواهد بود؛ (۴) طبقه: لیپست معتقد است طبقه متوسط و بالا فعالیت بیشتر، و طبقه پایین فعالیت کمتری را از خود بروز می‌دهند؛ (۵) عامل سن.^(۳)

از نظر وی این شکاف‌های اساسی بین داراها و ندارها، بین شهری و روستایی، بین محلات، بین مذاهب، بین گروه‌های قومی و حتی بین نسل‌ها وجود دارد. از نظر وی تفاوت شهری و روستایی در برخی از شکل‌های مشارکت مانند انتخابات تأثیرگذار است.

1. Almond & Pawel
2. Lipset

نمودار شماره ۳. مدل لیپست، شاخص‌های اثرگذار بر مشارکت سیاسی

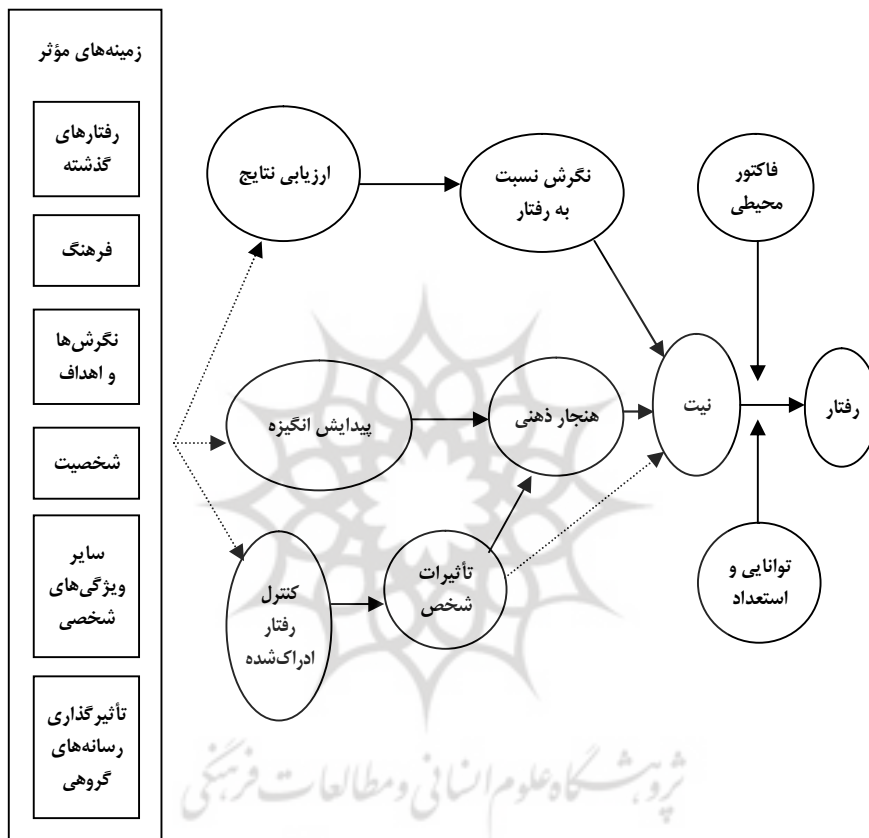


به نظر آیزن و فیش باین^۱ الگوی رفتار برنامه‌ریزی شده سعی در پیش‌بینی رفتار افراد دارد. به نظر آنها رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید و حلقه ماقبل بروز رفتار «قصد و نیت رفتاری» است. الگوی آنان نشان می‌دهد که قصدها به گرایش‌ها و هنجارهای مرتبط با رفتار متکی است. گرایش یک متغیر شخصی و فردی است که طی آن، فرد خوب یا بد بودن یک رفتار را از نظر خودش ارزیابی می‌کند. هنجار منعکس‌کننده نفوذ و رفتار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام کاری احساس و ادراک می‌کند.^(۳۳) این اصطلاح به این معنی است که بیشتر رفتارها به این دلیل انجام می‌شود که مردم به نتایج اعمال خود فکر می‌کنند و برای حصول پاره‌ای نتایج و پرهیز از برخی دیگر، دست به انتخاب منطقی می‌زنند. در تحلیل نهایی، رفتار شخص با در نظر گرفتن باورهای او تبیین می‌شوند. از آنجاکه

1. Ajzen and Fishbein

باورهای اشخاص نمایانگر اطلاعات وی (درست یا نادرست) در مورد خود و جهان اطراف است، می‌توان به این نتیجه رسید که رفتار افراد را در نهایت اطلاعات کسب‌شده از مجاری مختلف رقم می‌زند.

نمودار شماره ۴. تأثیر زمینه‌های مؤثر در رفتار، آیزن و فیش باین



در کل در این پژوهش در مورد انگیزه‌های رفتاری افراد، بر نظریه‌ها و تئوری‌های هنجارگرایی و انتخاب عمومی تکیه داریم؛ به عبارت دیگر علت رفتارها از جانب این پژوهش تحلیل‌ها و ارزیابی‌هایی است که از سوی افراد برای مشارکت در امور سیاسی و یا در نقطه اوج آن شرکت در انتخابات است. این موضوع با نظریات آیزن و فیش باین هم مطابقت دارد. (فرضیه‌های ۱ الی ۳) از سوی دیگر بر نظر لیپست مبنی بر تفاوت رفتاری بین تحصیلات متفاوت، سن و جنس و طبقه اجتماعی شهروندان تکیه خواهیم داشت.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها از طریق روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه به دست آمده است. از مطالعات کتابخانه‌ای برای رسیدن به زمینه‌های تئوریک و ارائه پیشینه پژوهش استفاده شده است. داده‌ها با بهره‌گیری از آمار توصیفی و استنباطی مورد تبیین و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این پژوهش، معلمان نواحی (۱) و (۳) آموزش و پرورش شهر اصفهان است. تعداد کل جامعه آماری بالغ بر ۴۹۱۳ نفر بوده که تعداد ۳۳۰ پرسشنامه بین آنان به صورت تصادفی اعم از زن و مرد، در تمامی مقاطع به تفکیک تعداد معلمان هر مقطع توزیع شده است. ۱۳۰ پرسشنامه در منطقه (۱) و ۲۰۰ پرسشنامه در منطقه (۳) توزیع شد. ۳۳/۶ درصد را معلمان مقطع ابتدایی، ۲۲/۴ درصد را مقطع راهنمایی و ۴۳/۹ درصد را معلمان مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی تشکیل می‌دهند.

پژوهش حاضر تأثیر متغیرهای مستقل شامل سن، جنس، میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی، (با تکیه بر نظریه لیپست) و آگاهی از حقوق سیاسی جامعه، آگاهی از رویدادهای سیاسی و اجتماعی، ارزیابی فرد از نقش‌ها، نهادها، و فرایندهای سیاسی (با مینا قرار دادن نظریه‌های آیزن و فیش باین)، بر متغیر وابسته پژوهش، یعنی شرکت یا عدم مشارکت در انتخابات را مورد بررسی قرار می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

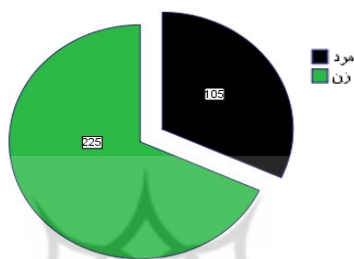
۱. جنس

در این پژوهش ۳۱/۸ درصد پاسخ‌دهندگان را مردان و ۶۸/۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. جدول زیر داده‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱. فراوانی به تفکیک جنس شکل

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۱۰۵	۳۱/۸
زن	۲۲۵	۶۲/۲
کل	۳۳۰	۱۰۰

نمودار شماره ۵. نمودار جنس جامعه آماری

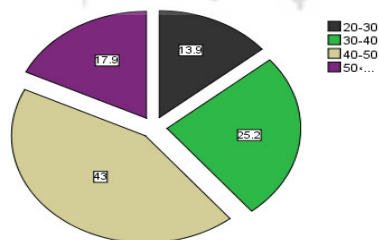


۲. سن

جدول شماره ۲. فراوانی به تفکیک سن

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
۲۰-۳۰	۴۶	۱۳/۹	۱۳/۹
۳۰-۴۰	۸۳	۲۵/۲	۳۹/۱
۴۰-۵۰	۱۴۲	۴۳	۸۲/۱
۵۰-۶۰	۵۹	۱۷/۹	۱۰۰
کل	۳۳۰	۱۰۰	

نمودار شماره ۶. فراوانی توزیع سن معلمان



فراوانی و توزیع سنین در این پژوهش را در جدول شماره ۳ می‌بینید. به‌آسانی می‌توان دریافت که بیشترین فراوانی در گروه سنی میانسال یعنی بین سنین ۴۰-۵۰ در بین پاسخ‌دهندگان حضور دارند.

۳. تحصیلات

جدول شماره ۳. فراوانی میزان تحصیلات

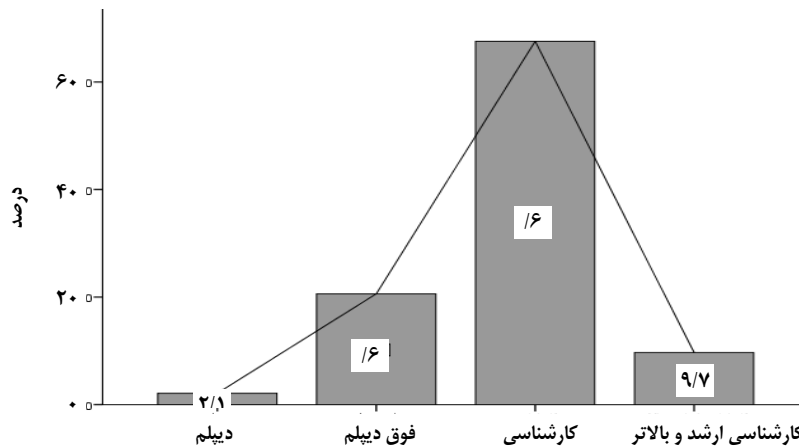
درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	تحصیلات
۲/۱	۲/۱	۷	دیپلم
۲۲/۷	۲۰/۶	۶۸	فوق دیپلم
۹۰/۳	۶۷/۶	۲۲۳	کارشناسی
۱۰۰	۹/۴	۳۲	کارشناسی ارشد و...
—	۱۰۰	۳۳۰	کل

بیشتر پاسخ‌دهندگان دارای مدرک تحصیلی لیسانس بوده که ۶۷/۶ درصد را از کل جامعه آماری مورد بررسی تشکیل می‌دهند و در رتبه بعدی مدرک فوق دیپلم قرار دارد که ۹/۴ درصد برآورده شده است.

جدول شماره ۴. میانگین، میانه و نمای تحصیلات معلمان شکل

N	معتبر	۳۳۰
	از دست رفته	۰
	میانگین	۲/۸۵
	میانه	۳/۰۰
	مد	۳/۰۰

نمودار شماره ۷. سطح تحصیلات معلمان



۴. طبقه اجتماعی

جدول شماره ۵. فراوانی طبقه اجتماعی

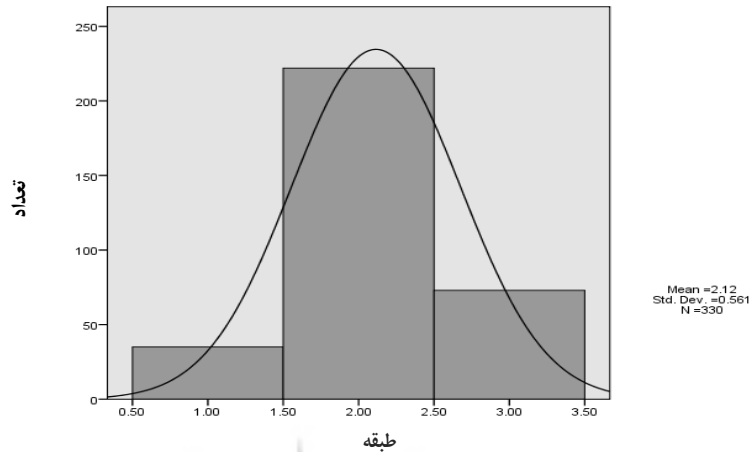
درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	طبقه اجتماعی
۱۰/۶	۱۰/۶	۳۵	پایین
۷۸/۲	۶۷/۶	۲۲۳	متوسط
۱۰۰	۲۱/۸	۷۲	بالا
—	۱۰۰	۳۳۰	کل

پاسخی که پاسخگویان، به سؤال سطح و طبقه اجتماعی خود بیان کرده‌اند در جدول شماره ۵ گرد آمده است که اکثریت با ۶/۶۷ از طبقه اجتماعی متوسط جامعه بوده و مابقی به ترتیب از طبقه اجتماعی بالا و پایین عنوان کرده‌اند. در جدول زیر نیز میانه، نما، و میانگین آمار را مشاهده می‌کنید.

جدول شماره ۶. میانگین، میانه و نمای طبقه اجتماعی معلمان

N	معتبر	۳۳۰
	از دست رفته	۰
	میانگین	۲/۱۱
	میانه	۲/۰۰۰
	مد	۲/۰۰

نمودار شماره ۸. طبقه اجتماعی معلمان



تحلیل فرضیات با ارائه جدول رابطه آماری

می‌توان در تحلیل فرضیه‌ها، دو شکل مثبت (تأثیرگذار) و یا منفی آنها را برآورد کرد.

فرضیه اول: آگاهی فرد از حقوق سیاسی و تأثیر آن بر شرکت در انتخابات فرضیه اول پژوهش بود که جدول آماری آن به قرار زیر است:

جدول شماره ۷. رابطه بین آگاهی از حقوق سیاسی و مشارکت در انتخابات

کل	حقوق سیاسی			مشارکت
	کم	متوسط	زیاد	
۲۳۷	۲۲	۱۰۵	۱۱۰	کم
۸۹	۱۴	۳۷	۳۸	متوسط
۰	۰	۲	۰	زیاد
۳۲۸	۳۶	۱۴۴	۱۴۸	کل

Sig = 167

ضریب همبستگی: ۰/۷۶

با استناد به نتایج جدول شماره ۷ و همچنین مقدار ۰/۷۶ بین دو متغیر آگاهی از حقوق سیاسی و مشارکت در انتخابات رابطه وجود ندارد و فرض اول مبنی بر رابطه بین دو متغیر رد، و عدم رابطه تأیید می‌شود؛ بنابراین می‌توان بیان داشت، افزایش یا کاهش دو متغیر سبب افزایش یا کاهش در دیگری نمی‌شود؛ به عبارت

دیگر فرضیه اول پژوهش مبنی بر تأثیر آگاهی از حقوق سیاسی بر مشارکت در انتخابات تأیید نمی‌شود.

با اینکه در نظرات آیزن و فیش باین در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر این امر تأکید شده که اطلاعات و کسب آگاهی در اشخاص منجر به رفتار مشخص و ایجاد دیدگاهی خاص در هر فرد می‌شود (بسته به نوع پیام دریافتی)، اما در فرضیه اول ما به اثبات نرسیدیم. می‌توان این ادعا را وارد کرد که صرف آگاهی از حقوق سیاسی توسط افراد نمی‌تواند در شرکت یا عدم مشارکت در انتخابات تأثیرگذار باشد. البته صرف ثابت نشدن این متغیر نمی‌تواند بیانگر عدم رابطه بین آنها باشد.

فرضیه دوم: بین میزان آگاهی از رویدادهای سیاسی و اجتماعی با شرکت در انتخابات رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۸. رابطه بین آگاهی از رویدادهای سیاسی و اجتماعی و شرکت در انتخابات

مشارکت	آگاهی از رویدادهای سیاسی و اجتماعی			کل
	زیاد	متوسط	کم	
کم	۱۵	۱۶۹	۵۳	۲۳۷
متوسط	۴۱	۴۲	۳	۸۶
زیاد	۰	۲	۰	۲
کل	۵۶	۲۱۳	۵۶	۳۲۵

Sig = 000

ضریب همبستگی ۰/۴۴۵

بیشتر آگاهی‌ها در عصر حاضر از طریق رسانه‌های جمعی کسب می‌شوند. گروهی از نظریه‌پردازان معتقدند رسانه‌های ارتباط جمعی می‌توانند صرفاً زمینه‌های تقویت و یا تضعیف گرایش‌های موجود را فراهم آورند، در هر صورت در شرایطی که سایر عوامل جامعه‌پذیری نتوانند وظایف خود را ادا کنند، رسانه‌های گروهی مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری سیاسی تلقی می‌شوند و حتی برخی می‌گویند، آنها می‌توانند موجب ایستارهای نوین شوند.^(۳۴) با استفاده از نتایج جدول و همچنین مقدار ضریب همبستگی اسپرمن ۰/۴۴۵ رابطه آماری معنی‌داری بین دو متغیر آگاهی از رویدادها با مشارکت در انتخابات، احتمال ۹۹ درصد رابطه وجود دارد چراکه احتمال خطا کمتر از ۰/۱ است. آیزن و فیش باین نیز تأکید دارند افراد در هر سطح

و طبقه اجتماعی توانایی کسب آخرین اطلاعات و رویدادها را دارند، و به این ترتیب آگاهی افراد در هر موضوعی شکل می‌گیرد و بر اساس آن تبدیل به باور می‌شود و نیت افراد را در نهایت برای انجام رفتاری خاص به وجود می‌آورد. اثبات این فرضیه در راستای پایه نظری پژوهش قرار گرفته و وجود آگاهی از رویدادهای سیاسی و اجتماعی را در مشارکت سیاسی نشان می‌دهد.

فرضیه سوم: ارتباط بین ارزیابی فرد از نقش‌ها، نهادها، و فرایندهای سیاسی با شرکت در انتخابات، عنوان فرضیه سوم است که به دو قسمت قابل تفکیک است. هر شخص برای انجام کارهای روزمره خود احتیاج به ارزیابی و تحلیل وضعیت و شرایط زمانی، مکانی، محیطی و غیره دارد و در نهایت با توجه به آگاهی‌هایی که از مجاری مختلف کسب کرده و ارزیابی خود، اقدام به عملی می‌کند که با منافع فردی خود در تعارض نباشد. اگر شهروند هیچ‌گونه ارزیابی مثبتی از نقش‌ها، نهادهای کشوری و فرایندهای سیاسی نداشته باشد، به تبع هیچ‌گونه تمایلی برای شرکت در انتخابات از سوی شخص وجود نخواهد داشت. حال با توجه به فرضیه پژوهش، ارزیابی فرد از نقش‌های سیاسی - اجتماعی جامعه و فرایندهایی که در حوزه‌های متفاوتی شکل می‌گیرد، احتمالاً واکنش فرد متفاوت خواهد بود.

جدول شماره ۹. رابطه بین ارزیابی فرد از نقش‌ها و نهادها و فرایندهای سیاسی و مشارکت در انتخابات

کل	ارزیابی فرد			مشارکت
	کم	متوسط	زیاد	
۲۳۶	۱۶	۱۳۰	۹۱	کم
۸۹	۰	۴۶	۴۳	متوسط
۲	۰	۰	۲	زیاد
۳۲۸	۱۶	۱۷۶	۱۳۶	کل

Sig = 0/01

ضریب همبستگی ۰/۱۳۱

با استناد به نتایج جدول شماره ۹ و مقدار ضریب همبستگی اسپرمن به دست آمده (۰/۱۳۱)، رابطه آماری معنی‌داری بین دو متغیر، یعنی ارزیابی فرد و مشارکت در انتخابات با احتمال ۹۹ درصد رابطه وجود دارد. به این ترتیب رابطه دو متغیر ارزیابی فرد از نهادها و فرایندهای سیاسی و مشارکت در امور سیاسی - که در این

تحقیق مشارکت در انتخابات به عنوان گزینه اصلی مدنظر قرار گرفته است - تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر ارزیابی شخص و تحلیل‌ها و درکی که از مسائل و امور دارد، بر نیت فرد مؤثر است چراکه تا اندازه زیادی تصمیمات فرد بستگی به میزان آگاهی اشخاص دارد. با توجه به نظریه آیزن و فیش باین این یافته منطقی به نظر می‌رسد. در این نظریه ارزیابی نتایج امور مختلف جامعه موجب پیدایش نگرش نسبت به رفتارها در فرد و در نهایت تبدیل به نیت می‌شود که زمینه رفتار فرد را تعیین می‌کند. به این ترتیب می‌توان بیان داشت که هر فرد با دریافت اطلاعات از مجاری مختلف و درکی که از رویدادهای مختلف دارد به تحلیل آنها پرداخته که در نهایت موجب شکل‌گیری هنجار ذهنی، نیت و رفتار معینی در راستای اطلاعات در اختیار داشته فرد می‌شود زیرا هیچ انسانی در خلأ اقدام به کنش یا واکنشی نمی‌کند.

فرضیه چهارم: میزان شرکت در انتخابات بر اساس سن متفاوت است.

سن پاسخگویان در این پژوهش از آن نظر اهمیت دارد که افراد به آن میزانی که از سنشان سپری می‌شود بر تجارب و آگاهی‌های آنها افزوده می‌شود. سن عموماً عاملی است که موقعیت افراد را در جامعه از یکدیگر متمایز می‌کند و حتی شرطی برای دستیابی به بعضی از سمت‌های سیاسی و یا امکانی برای داشتن نفوذ مؤثر در برخی از امور عمومی است. رسیدن به دانش سیاسی کامل تنها در سنین بالا مورد پذیرش است. (۳۵)

جدول شماره ۱۰. رابطه سن و مشارکت در انتخابات

سن	مشارکت				کل
	پایین	تا حدی	بالا	خیلی بالا	
۲۰-۳۰	۷	۱۸	۱۹	۲	۴۶
۳۰-۴۰	۰	۱۸	۴۸	۱۷	۸۳
۴۰-۵۰	۲	۲۰	۶۸	۵۲	۱۴۲
۵۰-۶۰ و ...	۰	۱۷	۲۵	۱۷	۵۹
کل	۹	۷۳	۱۶۰	۸۸	۳۳۰

Sig = 000

ضریب همبستگی ۰/۲۵۳

با توجه به جدول شماره ۱۰، در زمینه رابطه بین دو متغیر سن و مشارکت به اثبات رسیده است. با اینکه معلمان از قشر تحصیلکرده جامعه هستند اما با این حال با سطوح عادی جامعه قابل مقایسه هستند که هرچه سن افزایش یابد میزان مشارکت نیز افزایش می‌یابد. در این تحلیل به این نتیجه رسیده‌ایم که گروه سنی میانسال به بالا، در انتخابات مشارکت بیشتری دارند.

با توجه به پایه نظری ما در این فرضیه، لیست نیز بر این نکته تأکید دارد که هرچه سن افزایش یابد، رغبت به مشارکت در انتخابات بیشتر می‌شود؛ به عبارت دیگر لیست تأکید دارد که افراد ۳۵-۵۵ ساله بیش از سایرین مشارکت سیاسی دارند. در پاسخ به این پرسش که علت افزایش رغبت به مشارکت در افراد سالخورده چیست؟ برخی از نظریه پردازان و از جمله لیست بر این نظرند که سالمندان در مقایسه با جوانان محافظه کارترند و جوانان بسیار بیش از سالخوردگان روحیه انقلابی و تحول اساسی در وضع موجود را دارند. همین روحیه محافظه کاری سبب می‌شود تمایل به مشارکت سیاسی (که دلیلی بر پذیرش حکومت و حاکمیت در رأس است) در بین سالخوردگان ایجاد شود. این فرضیه نیز با توجه به میزان رابطه آماری به دست آمده به اثبات رسیده است.

فرضیه پنجم: تأثیر میزان شرکت در انتخابات بر اساس جنس فرضیه دیگر پژوهش است.

جدول شماره ۱۱. رابطه جنس و مشارکت در انتخابات

جنس	مشارکت				کل
	پایین	تا حدی	بالا	خیلی بالا	
مرد	۱۷	۶۸	۲۰	۰	۱۰۵
زن	۷۰	۸۳	۴۵	۲۴	۲۲۵
کل	۸۷	۱۵۱	۶۵	۲۴	۳۳۰

Sig: 000

ضریب همبستگی ۰/۶۷۵

۱۵۶

و در یک نگرش کلی هر دو جنس در توانایی یادگیری، حافظه، استدلال، حل مسئله و خلاقیت مشابه هستند. به نظر می‌رسد آنچه باید در این راستا و تفاوت در نحوه رفتار مرد و زن مد نظر قرار داد، اختلاف در نحوه اجتماعی شدن آنان است که شناخت آنها از محیط افراد را تشکیل می‌دهد. در تحقیق آبوت نشان داده شده که زنان را دارای نوعی هویت طبقاتی می‌داند و این هویت را از روی شغل خود آنها یا خصلت‌های شخصی دوران دوشیزگی و سطح تحصیلات آنها بهتر قابل دریافت می‌داند.^{(۲۶)(۲۷)} به عبارت دیگر میزان آشنایی و درگیر شدن فرد می‌تواند بر سیاسی شدن و یا نشدن آنها تأثیرگذار باشد، چه بسا مردانی که در هیچ امر سیاسی مشارکت نکرده باشد.

با توجه به میانگین به دست آمده رابطه معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد جنسیت معلمان در جامعه مورد بررسی در این پژوهش بر مشارکت در انتخابات مؤثر است. ضریب همبستگی ۰/۶۷۵ هم نشان از همبستگی بالای دو متغیر دارد و به این ترتیب می‌توان عنوان کرد که هرگونه تغییر در متغیر جنس بر متغیر مشارکت تأثیرگذار خواهد بود. با توجه به تئوری لیپست که پایه نظری ما در این فرضیه بوده است، فرضیه ما نیز با نظریه ایشان مبنی بر رابطه جنسیت با مشارکت سیاسی مطابقت دارد چراکه تئوری لیپست، بر مشارکت سیاسی مردان در مقایسه با زنان تأکید دارد و زنان را محافظه‌کارتر از مردان می‌داند. البته لازم به ذکر است که وی گزینه سن و تحصیلات را متغیر تأثیرگذاری در کاهش یا افزایش مشارکت سیاسی زنان برشمرده است.

فرضیه ششم: تأثیر تحصیلات بر میزان شرکت در انتخابات، فرضیه ششم پژوهش است.

افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی و سطح سواد بالاتری هستند. نسبت به اشخاصی که دارای تحصیل رسمی نیستند انتظار می‌رود که انتخاب خود را در هر فعالیتی از جمله شخصی، اقتصادی، اجتماعی و به‌ویژه سیاسی با آگاهی بیشتری انجام دهند و راه خود را با تجزیه و تحلیل و دلایل قانع‌کننده و منطقی انتخاب کنند.

جدول شماره ۱۲. رابطه بین تحصیلات و مشارکت در انتخابات

تحصیلات	مشارکت			کل
	کم	متوسط	زیاد	
دیپلم	۵	۲	۰	۷
فوق دیپلم	۴۶	۲۰	۲	۶۸
لیسانس	۱۶۵	۵۶	۰	۲۲۱
فوق لیسانس	۲۱	۱۱	۰	۳۲
کل	۲۳۷	۸۹	۲	۳۲۸

Sig = 0/581

ضریب همبستگی: ۰/۰۲۳-

با استناد به نتایج جدول و معنی داری ۰/۵۸۱ به دست آمده بین دو متغیر تحصیلات و مشارکت در انتخابات رابطه وجود ندارد و رابطه معنی داری بین دو متغیر مذکور رد می شود و ضریب همبستگی آن منفی است که در این حالت بین متغیر وابسته مشارکت در انتخابات با متغیر مستقل تحصیلات ارتباطی وجود نخواهد داشت. پس آزمون ما بدین معنی خواهد بود که فرضیه پژوهش مبنی وجود رابطه بین دو متغیر رد می شود. می توان به این نتیجه رسید که در بین معلمان با افزایش و یا کاهش سطح تحصیلات، میزان مشارکت افزایش یا کاهش نمی یابد و سطح تحصیلات در این امر دخیل نیست یا دخالت آن بسیار ضعیف است. این فرضیه کاملاً با نظریه لیپست همپوشانی ندارد چراکه وی عنوان کرده که میزان تحصیلات بالاتر به مشارکت سیاسی گسترده تر منجر می شود. البته نباید تأثیر متغیر مهمی چون آگاهی درون گروهی را که در محیط کار و شغل هر شهروند به دست می آید نادیده گرفت چراکه تبادل اطلاعات به صورت کلامی یکی از تأثیرگذارترین روش های گردآوری اطلاعات و به دست آوردن آگاهی است.

فرضیه هفتم: میزان شرکت در انتخابات بر اساس طبقه اجتماعی متفاوت است.

بر اساس سه شاخص که اصلی ترین شاخصه ها برای تعیین طبقه اجتماعی است، درآمد، شغل، و میزان تحصیلات در این پژوهش و در پرسشنامه برای تعیین

این مقدار آورده شده است. طبقه اجتماعی به بخشی از جامعه اطلاق می‌شود که به لحاظ داشتن ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته جمعی، میزان ثروت، و دیگر دارایی‌های شخصی و نیز آداب معاشرت با دیگر بخش‌های همان جامعه متفاوت باشند. (۲۸)(۲۹)

جدول شماره ۱۳. رابطه بین طبقه اجتماعی و مشارکت در انتخابات

مشارکت	طبقه اجتماعی			کل
	پایین	متوسط	بالا	
پایین	۲	۵۱	۴	۵۷
متوسط	۳۰	۱۵۲	۳۲	۲۱۴
بالا	۲۰	۳۵	۰	۵۵
کل	۵۲	۲۳۸	۳۶	۳۲۶

Sig = 000

ضریب همبستگی ۰/۱۹۲

با توجه به نتایج حاصل شده در جدول شماره ۱۳، و همچنین مقدار ضریب معنی‌داری، رابطه آماری بین دو متغیر طبقه اجتماعی و تأثیر آن در شرکت در انتخابات به احتمال ۰/۹۹ و سطح خطای ۰/۱ به دست آمد. به این ترتیب معناداری آماری بین دو متغیر طبقه اجتماعی و مشارکت در انتخابات تأیید می‌شود از طرفی مقدار ضریب همبستگی اسپرمن ۰/۱۹۲ نشان از همبستگی ضعیف بین دو متغیر دارد. نظریه لیپست که پایه نظری ما در این فرضیه بود مبنی بر اینکه هرچه طبقه اجتماعی افراد بالاتر باشد، میزان مشارکت افراد در سطح اجتماع و به‌ویژه مشارکت‌های سیاسی مانند شرکت در انتخابات افزایش خواهد یافت. فرضیه هفتم ما هم در این پژوهش به اثبات رسید و با نظریه لیپست همپوشانی پیدا کرده است، ولی همبستگی ضعیفی بین دو متغیر وجود دارد که قابل تکیه نیست. البته برخی نظریه‌پردازان بر این عقیده‌اند که طبقه عامل مهمی برای رفتارهای اجتماعی و بسیاری از رفتارهای بشر است که از مهم‌ترین این افراد می‌توان به مارکس اشاره کرد.

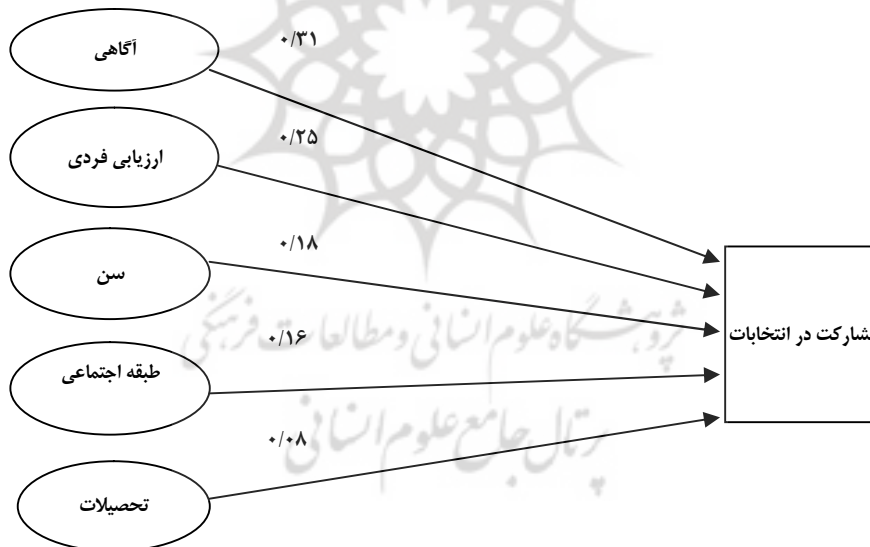
بررسی آماری داده‌های پژوهشی در مورد مجموع فرضیه‌ها

در ادامه این پژوهش به منظور کشف میزان اثرگذاری هریک از متغیرها بر متغیر مشارکت در انتخابات، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی را مشاهده می‌کنیم.

جدول شماره ۱۴. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی برای شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت

ردیف	نام متغیرها	B	SEB	Beta	t	sig
۱	مقدار ثابت	۱۵/۶۹	۱/۳۳	-	۱۱/۷۸	۰/۰۰
۲	متغیر وابسته	-	-	-	-	-
۳	آگاهی از رویدادها	۰/۵۳	۰/۰۷	۰/۳۱	۶/۹۱	۰/۰۰
۴	ارزیابی فردی	۰/۳۱	۰/۰۵	۰/۲۵	۵/۷۳	۰/۰۰
۵	سن	۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۱۸	۴/۱۸	۰/۰۰
۶	طبقه اجتماعی	۰/۳۱	۰/۰۷	۰/۱۶	۴/۰۹	۰/۰۰
۷	تحصیلات	۰/۱۹	۰/۰۹	۰/۰۸	۱/۹۸	۰/۰۴

نمودار شماره ۹. مدل رگرسیون عوامل مؤثر بر مشارکت در انتخابات



الف - نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر متغیر مشارکت در انتخابات مطابق با نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندمتغیره وابسته مشارکت بر پنج متغیر آگاهی، ارزیابی فردی، سن، طبقه اجتماعی، تحصیلات، توانسته‌اند تأثیر آمار معنی‌داری را بر متغیر وابسته مشارکت وارد کنند.

مقدار ضرایب همبستگی چندگانه (۰/۵۵)، حکایت از همبستگی متوسط بین مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته دارد. از طرفی با توجه به مقدار ضریب تعیین ۳۰ درصد نیز باید اشاره کرد که مجموع متغیرهای مورد بررسی توانسته ۳۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته مشارکت را تبیین و توضیح دهد و مابقی تغییرات (۷۰ درصد) نیز متأثر از عوامل خارج از ترکیب خطی معادله رگرسیون است. در ادامه به تشریح متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر مشارکت در انتخابات به ترتیب تأثیرگذارترین تحلیل رگرسیونی استاندارد شده، می‌پردازیم. نخستین متغیر، آگاهی با ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده ۰/۳۱ بود؛ متغیر بعدی ارزیابی فردی با ضریب تأثیر استاندارد شده ۰/۲۵ بوده است؛ سومین متغیر، سن با ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده ۰/۱۸ است؛ متغیر چهارم طبقه اجتماعی با ضریب تأثیر رگرسیونی مشارکت در انتخابات استاندارد شده، ۰/۱۶ بوده است؛ آخرین متغیر در تحلیل رگرسیونی یک خطی، متغیر تحصیلات است که تأثیر رگرسیونی آن ۰/۰۸ بوده است. ذکر این نکته لازم است که با توجه به متغیرهای بیان شده، مقدار تأثیر متغیرها بر متغیر مستقل مشارکت در انتخابات در حدود ۹۰ درصد است؛ به عبارت دیگر متغیرهای برشمرده شده و به آزمون گذارده شده در این پژوهش توانسته‌اند تا اندازه زیادی از عوامل تأثیرگذار در مشارکت سیاسی معلمان مناطق یادشده اصفهان را به دست آورند.

نتایج سنجش معنی‌داری تفاوت نمره میانگین مشارکت در دو منطقه به تفکیک جنس و ناحیه

جدول شماره ۱۵. نتایج حاصل از سنجش معنی‌داری تفاوت نمره میانگین مشارکت در دو منطقه به تفکیک جنس مطابق با آزمون T

ردیف	نام متغیر	نام گروه	نمره میانگین	t مقدار	میانگین سطح معنی‌داری
۱	مشارکت	مرد	۱۵۴/۰۸	۲/۱۷	۰/۰۳
		زن	۱۵۰/۷۸		
۲	مشارکت	منطقه ۳	۶۲/۰۷	۳/۲۶	۰/۰۰
		منطقه ۱	۵۸/۳۵		

۱. در رابطه با معنی داری تفاوت نمره مشارکت در بین زنان و مردان می توان گفت؛ تفاوت معنی داری با احتمال ۹۵ درصد و سطح خطای ۵ درصد در بین زنان و مردان مشاهده شده و آزمون T در این رابطه نشان می دهد که مشارکت مردان در انتخابات بیشتر از زنان است.

۲. در رابطه با معنی داری مشارکت افراد در انتخابات در دو منطقه (۱) و (۳) می توان گفت که تفاوت آماری معنی داری با احتمال ۹۵ درصد و سطح خطای کمتر از ۵ درصد در بین دو منطقه مشاهده شده است. آزمون T در این رابطه نشان دهنده مشارکت بیشتر افراد منطقه (۳) در انتخابات است؛ به عبارت دیگر می توان گفت، بین دو گروه تفاوت وجود دارد و افراد منطقه (۳) در انتخابات بیشتر مشارکت دارند.

ب - نتایج حاصل از آزمون F تحلیل واریانس یک طرفه برای گروه های مختلف سنی: در مطالعه حاضر جهت آزمون معنی داری تفاوت نمره میانگین مشارکت در بین گروه های مختلف سنی از آزمون F یا تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

نتایج حاصل از آزمون F تحلیل واریانس یک طرفه برای گروه های مختلف سنی

جدول شماره ۱۶. نتایج تفاوت نمره میانگین مشارکت در بین گروه های مختلف سنی با استفاده از آزمون F

نام متغیر	نام گروه ها	مجموع مربیان	میانگین مربیان	F	sig
مشارکت	میان گروهی	۲۵۰۶/۲۹	۱۲۵۳/۱۴	۸/۷۴	۰/۰۰
	درون گروهی	۶۴۰۳۳/۳۷	۱۴۳/۲۵		

بر اساس نتایج این آزمون، تفاوت نمره میانگین مشارکت در میان گروه های مختلف سنی از لحاظ آماری با احتمال ۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۱ درصد معنی دار است. به دیگر سخن گروه های مختلف سنی از لحاظ نمره میانگین مشارکت با یکدیگر فرق دارند.

نتایج حاصل از آزمون شفه

جدول شماره ۱۷. نتایج آزمون شفه

طبقه		گروه
طبقه اول	طبقه دوم	
۵۶/۲۲	—	مسن
—	—	میانسال
—	—	جوان

نتایج آزمون شفه نیز نشان می‌دهد که گروه سنی مسن از جهت میزان مشارکت بالاتر از دو گروه سنی دیگر قرار دارد. لذا در طبقه اول جای می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ما در پی دست‌یابی به تأثیر آگاهی سیاسی معلمان بر شرکت در انتخابات بودیم. تئوری‌هایی که در این زمینه گفته شد، هرکدام به نحوی عامل آگاهی را بر متغیرهای مختلف اجتماعی بررسی کرده‌اند. در این پژوهش سعی شد از تئوری‌ها برای میزان تأثیرگذاری آگاهی سیاسی بر مشارکت در انتخابات استفاده شود. آنچه می‌توان به یقین می‌توان بر آن تأکید کرد، تأثیر آگاهی در مورد مسائل و مؤثر بودن آن در بهره‌گیری از فرصت‌ها و رسیدن بهتر به نتایج دلخواه است که این امر در صورت تسری دادن آن به حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی گزینه مهمی برای بررسی و تأمل بیشتر در میزان و چگونگی آگاهی‌های افراد را پیش رو قرار می‌دهد.

جامعه آماری ما در این تحقیق قشری از تحصیل‌کردگان آموزش عالی و شاغل در آموزش و پرورش یعنی معلمان است که خود از متصدیان آگاهی‌دهنده و راهنما برای دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی هستند. نتایج به دست‌آمده به اختصار بیان می‌شود:

سؤال اول مبنی بر وجود رابطه بین میزان آگاهی از حقوق سیاسی در بین معلمان با شرکت آنها در انتخابات ثابت نگردید.

سؤال دوم، مبنی بر رابطه بین آگاهی از رویدادهای سیاسی و اجتماعی و شرکت در انتخابات به اثبات رسید، اثبات این رابطه به این معنی است که با افزایش

آگاهی از رویدادهای سیاسی و اجتماعی، میزان شرکت در انتخابات بین معلمان افزایش می‌یابد.

سؤال سوم پژوهش، وجود ارتباط بین ارزیابی فرد از نقش‌ها، نهادها و فرایندهای سیاسی نیز به اثبات رسید و این مورد هم با توجه به الگوی رفتار برنامه‌ریزی‌شده (نظریه آیزن و فیش باین) صحیح است.

سؤال چهارم مبنی بر وجود رابطه بودن بین سن با میزان مشارکت سیاسی به اثبات رسید.

سؤال پنجم مبنی بر تأثیر جنس در مشارکت سیاسی، بر حضور بیشتر مردان در پای صندوق‌های رأی تأکید دارد.

سؤال ششم، وجود رابطه بین تحصیلات و مشارکت به اثبات نرسید. سؤال هفتم، وجود رابطه بین طبقه اجتماعی و تأثیر آن در شرکت در انتخابات به اثبات رسید.

مشارکت معلمان منطقه (۳)، بیش از منطقه (۱) است و این موضوع خود جای تحقیق دارد که علت این امر چیست؟ بیشترین تأثیر را در میان متغیرهای مستقل بیان‌شده، متغیر آگاهی از رویدادهای سیاسی و اجتماعی با ۰/۳۱ درصد و بعد از آن ارزیابی افراد از نقش‌ها و فرایندهای سیاسی با ۰/۲۵ درصد دارند. اثبات این امر به این معنی است که این دو متغیر که در الگوی رفتار برنامه‌ریزی‌شده به آن اشاره شده، با آگاهی از رویدادهای سیاسی و اجتماعی که از طریق اطلاعات رسیده توسط رسانه‌های جمعی و ارتباطی صورت می‌گیرد و متعاقب آن ارزیابی و تحلیل‌های فردی که از جانب معلمان صورت می‌گیرد دست به انتخاب منطقی بین اطلاعات رسیده، شرایط محیطی و سود و زیان شخصی و اجتماعی می‌زنند که این مورد در تئوری آیزن و فیش باین به چشم می‌خورد. سه متغیر دیگر سن، طبقه اجتماعی و تحصیلات نیز در کل، میزان اثرگذاری‌شان در حدود ۰/۳۳ درصد بر مشارکت در انتخابات است که در تئوری سیمور مارتین لیپست به آن اشاره شده است. ❁

پی‌نوشت‌ها

۱. حمید بشیریه، فرهنگ سیاسی از دیدگاه انسان‌شناسی و قوم‌شناسی، (تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۶)، ص ۱۵۷.
۲. سید محمد دادگران، مبانی ارتباطات جمعی، (تهران: انتشارات فیروزه، ۱۳۷۴)، ص ۱۱.
۳. علی آقا بخشی، مینو افشاری راد فرهنگ علوم سیاسی، (تهران: نشر چاپار، ۱۳۸۳)، ص ۶۵.
۴. ریچارد داوسون، و دیگران جامعه‌شناسی سیاسی، مترجم: مهدی جواهری‌فر، (تهران: نشر لاجورد، ۱۳۸۲)، ص ۵۰.
۵. میرزا آقا اعتمادی و دیگران، اصول و فنون آموزش و پرورش، (تهران: انتشارات آوای نو، ۱۳۷۶)، ص ۱۶.
6. Millbrath, L., "Political Participation", in *Hand Book of Political Behavior*, Vol. 4, S. Long, (Ed), (New York: Plenum Prese, 1981).
۷. مایرون واینر، و ساموئل هانتینگتون درک توسعه سیاسی، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، (تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲)، ص ۱۳۸.
8. MC Closky, E., *The International Encyclopedia of the Social Sciences*, (New York: The Macmillan Company, 1972).
۹. حسن ملک، جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، (تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۱)، ص ۵.
۱۰. علی اصغر کاظمی، «آگاهی واژگونه»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۳۴-۱۳۳، تهران، ۱۳۷۴، ص ۶۷.
۱۱. ریچارد داوسون، و دیگران، پیشین، ص ۸۶.
۱۲. پیتر برگر، و توماس لوکمان ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت، مترجم: فریبرز محمدی، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵)، ص ۶۴.
۱۳. غلامعباس توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۶۹)، ص ۲۶۷.
۱۴. جورج ریتز، روش‌های تحقیق با تأکید بر جنبه‌های کاربردی، (تهران: نشر مؤلف، ۱۳۷۵)، ص

- ۲۷۳.
۱۵. آلوین استانفورد کوهن *تئوری‌های انقلاب*، مترجم: علیرضا طیب، (تهران: نشر قومس، ۱۳۸۳)، ص ۹۶.
۱۶. جورج ریترز، پیشین، ص ۵۱۱.
۱۷. مایکل راش، *جامعه و سیاست*، مترجم: منوچهر صبوری، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۷)، ص ۱۰۳.
۱۸. همان، ص ۱۹۵.
۱۹. موریس دورژه، *اصول علم سیاست*، مترجم: ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، چاپ سوم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲)، ص ۲۳۳.
۲۰. محمود شابع‌پور، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳)، ص ۲۸۵.
۲۱. گابریل آلموند، و پاول جی. بینگهام *چهارچوب نظری برای بررسی سیاست تطبیقی*، مترجم: علیرضا طیب، (تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۷)، ص ۵۱.
۲۲. سیمور مارتین لیپست، و رابرت دوز *جامعه‌شناسی سیاسی*، مترجم: محمدحسین فرجاد، (تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۳)، ص ۳۸۹.
۲۳. منوچهر محسنی، *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران*، (تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد و اسلامی، ۱۳۷۳)، ص ۱۰.
۲۴. کلود ریویر، *انسان‌شناسی سیاسی*، مترجم: ناصر فکوهی، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۴)، ص ۱۳۲.
۲۵. وحید قاسمی، «گونه‌شناسی و تبیین فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، رشته جامعه‌شناسی، ۱۳۸۰.
۲۶. آزاک آیزن، *نگرش‌ها، شخصیت و رفتار*، مترجم: جعفر نجفی زند، (تهران: نشر دانا، ۱۳۷۴).
۲۷. عبدالعلی قوام، *جامعه‌پذیری سیاسی*، (تهران: انتشارات آفاق، ۱۳۶۹)، ص ۲۶۹.
۲۸. زهره خسروی، و همکاران *مبانی روان‌شناختی جنسیت*، (تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲)، ص ۴۷.
۲۹. کوهن، پیشین، ص ۲۳۹.